



باز هم دربارهٔ «ز پهلوی»

سعید حمیدیان

در شمارهٔ پنجم و ششم مجلهٔ فرهنگ‌نویسی (اردیبهشت ۱۳۹۲، ص ۳۲۹-۳۳۳)، مقاله‌ای با عنوان «... خورد گاو نادان ز پهلوی خویش» از آقای الوند بهاری درج شده بود که پاسخی یا تکمله‌گونه‌ای است بر مقاله‌ای کوتاه از بنده با همین عنوان (مجلهٔ بخارا، شمارهٔ ۶۸ و ۶۹، آذر و اسفند ۱۳۸۷، ص ۴۸-۵۲). ایشان با ارائهٔ شاهدهایی از برخی کنایات حاوی لفظ «ز پهلوی» به‌ویژه «کباب از پهلوی خود خوردن»، نوشته‌اند که آن‌ها در مقالهٔ نگارندهٔ این سطور نیامده‌است. با سپاس از امعان نظر ایشان، در این باره عرض می‌کند که غرض از نوشتهٔ بنده نه استقصای تام در این باره، بلکه تذکر اشتباهی بود که برخی شارحان بیت مورد بحث از استاد طوس در باب معنای «ز پهلوی» مرتکب شده‌اند و ذکر شاهدهایی که مدلل می‌دارند این لفظ اصطلاحی بوده برابر با «از قیل» یا «از ناحیه» و نظایر این‌ها، و گمان نمی‌کنم جای تردیدی در صحت این معنی باقی باشد. عجالتاً از فرصت سود می‌جویم و این شاهد گویا و بدون ابهام یا ایهام را (با توجه به اینکه «پهلوی» در اغلب موارد با ایهام به این یا آن عضو بدن آمده)، آن هم از نثر، نقل می‌کنم از سعدالدین وراوینی: «من این زیان از پهلوی زروی کنم.» (مرزبان‌نامه، تصحیح محمد روشن، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۴۷).

و اما موضوع مقاله جناب بهاری ذکر کنایاتی است از مقوله‌ای تقریباً متفاوت، اگرچه به هر حال مرتبط با «ز پهلوی»، چنان‌که «کباب یا غذا از پهلوی خود خوردن» را در زمان‌های بعد از فردوسی و شاهنامه، هم بر مبنای «ز پهلو» و همان معنای نخستینه «از قبل» ساخته‌اند، بدین‌گونه که «ز پهلوی» در شاهدهای مورد نظر ایشان به‌مرور از حالت اولیه، یعنی مجاز، به در آمده و به جزئی از یک عبارت فعلی با معنای کنایی بدل شده‌است. به هر روی، به گمانم ایشان با من در این باره همداستان باشند که در مباحث لغوی از این دست، وجوبی ندارد که هر چیزی در هر جایی به صرف ارتباطی بیش یا کم مطرح شود، به‌ویژه در نوشته‌ای کوتاه و یادداشت‌گونه با هدفی محدود، وگرنه جسارتاً این بنده از کنایات موفور از گونه مورد نظر ایشان، چه از طریق متون و چه فرهنگ‌ها، بی‌خبر نبوده، ولی لزومی به طرح آن‌ها، به دلیل تعلق به مقوله‌ای متفاوت از نظر معنی، به‌ویژه با توجه به همان هدف محدود نوشته خود، ندیده‌است. به هر حال باز تأکید می‌کنم که معنای اصلی و اولیه «ز پهلوی» در بیت فردوسی همان «از قبل» یا «از ناحیه» است و بس. آیا وجود این معنی را فی‌المثل در این بیت حافظ (هرچند همراه با ایهام به لفظ «دل» آمده‌است) می‌توان انکار کرد؟:

بگشا بند قبا تا بگشاید دل من که گشادی که مرا بود، ز پهلوی تو بود

همچنین در همان نوشته خود ذکر کرده بودم که «ز پهلوی» در بیشتر شاهدهای پس از فردوسی همراه با ایهام به «پهلو» (= کنار شکم) و در تناسب با کلماتی مانند «دل»، «جگر»، و «شکم» آمده، چنان‌که به نظرم در بیشتر شاهدهای آقای بهاری نیز چنین است. به همین لحاظ در اینجا مطلبی می‌افزایم تا شاید مزید فایده مقاله ایشان و آن بنده باشد: در میان شاهدهای ایشان برای کنایه «ز پهلوی خود کباب خوردن یا یافتن» این دو بیت، هر دو به نقل از لغت‌نامه دهخدا، آمده، نخست از ظهیر فاریابی:

گاو خَرَف‌خوی بدطبیعت نادان جز که ز پهلوی خود کباب نیابد^۱

دیگر این بیت از یحیی نیشابوری:

ظالم که کباب از جگر ریش خورد چون درنگرد، ز پهلوی خویش خورد

(همان مقاله، ص ۳۳۰)

۱. بیت اخیر در معتبرترین طبع دیوان ظهیر فاریابی، تصحیح امیرحسن یزدگردی (نشر قطره، ۱۳۸۱) نیامده‌است.

در دو بیت مذکور، به خلاف فرمودهٔ ایشان که: «پهلو» در معنای حقیقی خود به کار رفته (همان جا)، به گمان من معنای اصلی آن همان «قَبَل» است و معنای «کنارهٔ شکم» را باید معنای ثانوی (ایهامی) دانست، و کل عبارت یعنی «زیان دیدن و ضربه خوردن از قَبَل خود یا به دست خویش»، و این مطابق است با آنچه من در مورد بیشتر شاهدهای بعد از فردوسی گفته‌ام. البته در بسیاری از شاهدهایی که ایشان بر حول «کباب از پهلوی خود خوردن» داده‌اند این رابطه معکوس می‌نماید، یعنی «پهلو» در اصل به معنای «کنارهٔ شکم» است و «قَبَل» معنای ایهامی و ثانوی. حال به نظر می‌رسد آن دسته از شاهدها که در آن‌ها «ز پهلوی» در اصل به معنای «از قَبَل» و در درجهٔ دوم به معنای «کنارهٔ شکم» است از نظر زمانی در حد فاصل بیت فردوسی و شعرهای متأخر (یعنی از حدود سدهٔ دهم به این سو) قرار دارند، و چه بسا همین بیت‌های میانی، زمینه را برای تحول «ز پهلوی» از مجاز به کنایه‌هایی مانند «کباب از پهلوی خود خوردن» (= صدمه دیدن از جانب خود) به آن نحو فراهم کرده باشند که در آن‌ها دیگر «ز پهلوی» در درجهٔ نخست نه به معنای «از قَبَل»، بلکه همان «کنارهٔ شکم» است، اگرچه نتیجه‌گیری دقیق و متقن در این زمینه نیازمند تحقیق و آمارگیری کافی خواهد بود.

و اما جناب بهاری در ضمن شاهدهایی برای «از پهلوی خود [کباب] خوردن» به معنای «صدمه زدن به خود»، بیت‌هایی آورده‌اند حاوی «روزی [یا کباب یا غذا] از پهلوی خود خوردن» که هرچند در آن‌ها «ز پهلوی» به همان معنای «از قَبَل» است، لیکن کل عبارت دارای معنایی کاملاً متفاوت با کنایهٔ «ما نحن فیه» (به قول خودشان) است که عبارت است از «بهره گرفتن از دسترنج خویش» یا «منت از کسی نبردن»، درحالی‌که ایشان متعزّض این تفاوت مهم معنایی نشده‌اند. مثال از این معنی (ظاهراً این معنی و شاهدهای آن متأخر است):

می‌خوردم چون شمع از پهلوی خود تا زنده‌ام می‌دهم خود را تسلی بر کباب خام خویش

(سیدای نسفی)

دل خوردن است قسمت کامل، که ماه نو روزی خورد ز پهلوی خود چون تمام شد

(صائب)

غذا به گر خورم از پهلوی خویش کز آن گسترده‌خوان بهر بداندیش

(وصال شیرازی)

من از مقالهٔ جناب بهاری بهره بردم و آینده‌ای درخشان را برای ایشان چشم دارم.